

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوضه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه حضرت زینب (سلام الله علیها) شهرستان آران و بیدگل

تحقیق پژوهشی سال دوم

عنوان

**آداب گفتگوی انسانها با یکدیگر از منظر قران و**

**روایات**

استاد راهنما

خانم کاظمی

پژوهشگر

صبح بنی نعمه

آذر ماه ۱۳۹۳

## چکیده

سخن گفتن و چگونگی بیان آن در هر زبانی از ضروریات روزآمد زندگی انسان و جوامع بشری است و براساس آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) یکی از مهمترین نعمتهای الهی بعد از نعمت آفرینش انسان، نعمت بیان است.

در تصور بیشتر انسانها، گفتگو مسأله ساده ای به نظر می رسد، اما با کمی تأمل به خوبی روشن میشود که این امر از ظریف ترین و پیچیده ترین اعمال انسان است که میتواند سعادت یا حتی شقاوت انسان را به دنبال داشته باشد. برای دستیابی به این مهم، مقاله حاضر به چگونگی و چرایی آداب گفتگو در گستره آیات و همچنین روایات تفسیری پرداخته است. این پژوهش با روش کتابخانه ای و با رجوع به کتب تفسیر قرآن کریم و همچنین روایات تفسیری سامان یافته است.

از آنجا که در واقع آداب و اخلاق چیزی کسب فضایل نیست، و بارزترین بخش از اخلاق نیکو در خوشگویی متجلی میگردد، لذا ذکر مواردی که انجام آنها در گفتگوها از منظر قرآن کریم و روایات مورد تأکید قرار گرفته، هدف اصلی این تحقیق را تشکیل میدهد.

واژگان کلیدی: آداب - گفتگو - قرآن کریم - روایات - نعمت های الهی .

## فهرست

مقدمه

فصل اول: کلیات

بیان مسأله

اهمیت و ضرورت

سوالهای تحقیق

اهداف تحقیق

روش تحقیق

ساختار تحقیق

پیشینه تحقیق

فصل دوم: مفهوم شناسی وفنی بودن گفتگو از منظر قرآن و روایات

تعریف آداب و گفتگو

معنای لغوی آداب

معنی اصطلاحی آداب

معنی لغوی و اصطلاحی گفتگو

فنی بودن گفتگو از منظر قرآن و روایات

آداب اولیه گفتگو

۱ - نگاه کردن به سخن

۲ - پیروی از علم

۳ - اهتمام به مجهولات

۴ - یاری جستن از حقیقت و راستی

۵ - استمداد از قرآن

۶ - یاری جستن از خداوند

فصل سوم: انواع گفتگو در قرآن و استقبال اسلام از گفتگو

توضیح انواع گفتگو

۱ - انواع گفتگو به لحاظ مخاطب

۲ - انواع گفتگو به لحاظ روش

۲-۱ - گفتگوهای تبلیغی

۲-۲ - گفتگوهای ارشادی

- ۳-۲ - گفتگوها استثنایی
  - ۴-۲ - گفتگوهای استدلالی
  - ۵-۲ - گفتگوهای احساسی
  - ۶-۲ - گفتگوهای اقناعی
  - ۳- انواع گفتگو به لحاظ موضوع
  - ۱-۳ - گفتگو درباره توحید، خداپرستی و...
  - ۲-۳ - گفتگو درباره معاد، روز جزا و عقاب و...
  - ۳-۳ - گفتگو در زمینه قرآن و حقانیت آن و...
  - ۴-۳ - گفتگو درباره حرامها و حلالهای الهی و...
- استقبال اسلام از گفتگو  
گفتگو با ادیان دیگر
- فصل چهارم: بررسی شاخص های گفتگوی اثر بخش
- ۱- هدف محوری
  - ۲- پر محتوایی
  - ۳- تبیین حقیقت
  - ۴- پرهیز از دروغ گویی
  - ۵- پرهیز از غیبت دیگران
  - ۶- تکریم عمومی دیگران
  - ۷- نرم و آرام گویی
  - ۸- سخن رسا گفتن
  - ۹- شادابی و نشاط آفرینی
  - ۱۰- پرهیز از دشنام گویی حتی به دشمنان
  - ۱۱- به کار گیری اسامی والقباب پسندیده
- نتیجه گیری  
فهرست منابع

## مقدمه

خداوند رحمن در تعریف انسان می فرماید: انسان، حیوانی است ناطق و بیشتر فلاسفه نیز تمایز انسان با سایر موجودات را ناطق بودن و توانایی بیان او میدانند و شاید گیراتر از حسن خلق واژه ای نیست که ترسیم کننده روحی زلال و طبعی باشد که عنوان برجسته رفتار یک مسلمان است و معیار کمال ایمان مؤمن می باشد.

گفتگو یکی از نعمتهای بزرگ خداوند است که در آیات بسیاری به اشکال گوناگون این نعمت اشاره شده است که گاه در وصف زبان و لبها و گاهی از توان گویایی و گفتگو سخن به میان می آورد. بنابراین گفتگو که بخش مهمی از بیان است به عنوان مهمترین سرمایه بشری به شمار می رود که انسان را به بسیاری از امور توانا و قادر ساخته است و علوم و دانشهای زیادی را پدید آورده و در انتقال دانشهای تجربی و افزایش داده ها و اطلاعات، تصحیح و بازسازی آنها نقش مهمی ایفا کرده است. از این رو خداوند در آغاز سوره الرحمن از توانایی بیان و نعمت سخن گفته و میفرماید: "خلق الانسان وعلمه البیان" (الرحمن، ۲-۳). اگر آداب گفتگو مد نظر قرآن، سر لوحه رفتار افراد قرار گیرد، دستاوردهایی نظیر همدلی، اتحاد یکپارچگی و صفا و ...، بر جامعه حاکم می شود. بنابراین عدم رعایت آداب گفتگو میتواند به جای آنکه موجب تعالی فرد و جامعه شود، ابزاری برای ایجاد ناهنجاریها و زشتی و پستی گردد.

تحقیق حاضر به روش کتابخانه ای و با رجوع به کتب تفسیر قرآن و همچنین روایات تفسیری و کتب روانشناسی سامان یافته است. آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته، مروری بر آداب گفتگو از دیدگاه قرآن و روایات می باشد. لذا جهت نیل به این هدف، این تحقیق براساس بخشهای زیر تنظیم گردیده است:

۱- مفهوم شناسی و ضرورت گفتگو

۲- انواع گفتگو در قرآن و استقبال اسلام از گفتگو

۳- بررسی شاخص های گفتگوی اثر بخش

**فصل اول**

**کلیات**

## بیان مسأله

متانت در سخن و حفظ آداب گفتگو و زیبایی کلام ، خصلت پاکدلان بی کینه است و خلق و خوی اولیای دین می باشد . بارزترین بخش از اخلاق نیکو در خوشگویی متجلی می گردد که رابطه ها را استوار تر و پیوندها را صمیمی تر می سازد . به موجب عادت سخن گفتن مسأله ساده ای به نظر میرسد، اما با اندکی تأمل روشن میشود که این امر از پیچیده ترین و ظریف ترین اعمال انسانی است که دارای آداب خاص می باشد.

آداب به هر آنچه که به سبب کسب فضایل و پالایش رذایل می گردد، گفته می شود . گفتگو بخش مهمی از ارتباطات میان افراد را به خود اختصاص می دهد . برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، به ویژه از راه گفتگو نیازمند آموزش و به کار بستن مهارتها، خلاقیت و آدابی است که گروههای مختلف -از خانواده تا جامعه - را دربر می گیرد. فقدان این مهم در روابط افراد ،خواه بر اثر نادانی یا ناتوانی ،موجب سردی و بی اثربودن یا قطع روابط و گاه بروز تنشها و درگیری ها می شود. از دیدگاه قرآن و سنت ، سخن گفتن به گونه ای که در جامعه ، نیکو و شایسته شمرده گردد ، آداب گفتگو نامیده می شود . قرآن کریم ، کلام الهی و پیامی آسمانی است که خداوند متعال جهت هدایت و سعادت انسان ، آن را نازل فرمود؛ که بهترین راهنما و کلامی است زیبا، رسا، پر مطلب و در اوج فصاحت و بلاغت ، که برای عوام و متخصصان علوم ، پیام و درسی آموزنده دارد.

بنابراین قرآن و روایات ، بهترین مرجع و راهنما برای آموختن آداب گفتگو است . از این رو تحقیق حاضر برای پی بردن به عناصر خاص و آداب گفتگو و فراگیری اصول گفتگو ، آن را از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار داده است ؛ و متناسب با مطرح شده، از دیدگاه روانشناسان بهره گرفته است .

## اهمیت و ضرورت

اسلام بیش از هر دینی به گفتگو به عنوان اصلی جهت آگاه سازی مردم از حقایق هستی و آشنا ساختن آنان با روش تکاملی خود و دستیابی به آیین و روش برتر ، پافشاری کرده است . در دین اسلام ، گفتگو آداب و شرایط خاصی دارد که می توان با بهرمندی از این آداب ، کلیدی برای گشودن قلعه دلها و عاملی برای تحکیم رابطه ها ساختو گفتگو با شرایط و آداب خاص خود، موجب نزدیکی افکار شده و در نتیجه شاهد صمیمیت روابط در میان مردم خواهیم بود. البته باید یاد آور شد که هدف از گفتگو ، ساکت کردن مخاطب و نشان دادن حرف خود بر کرسی نیست ، بلکه با به کارگیری آداب صحیح گفتگو، موجبات رسیدن به فهم و درک درست از یک مسأله فراهم می شود . قرآن بزرگترین معجزه پیامبر خاتم و کتاب آسمانی مسلمانان که همچون راهنمایی جامع عمل میکند ، برای آشنا ساختن مردم با حقیقت تعالیم اسلامی ، بیش از ۱۷۰۰ بار واژه گفتگو و آداب آن را بیان کرده است ، که این دلالت بر اهمیت آداب گفتگو از دیدگاه اسلام و قرآن را نمایان میکند .



## سوالهای تحقیق

### الف) سوال اصلی

آداب گفتگوی انسانها با یکدیگر از منظر قرآن و روایات چیست؟

### ب) سوالهای فرعی

۱- منظور از آداب گفتگو چیست؟

۲- انواع گفتگو در قرآن شامل چه مواردی است؟

۳- برای یک گفتگوی اثر بخش، رعایت چه شاخص‌هایی اهمیت دارد؟

۴- دیدگاه اسلام در مورد گفتگو چیست؟

## اهداف تحقیق

- شناخت آداب گفتگوی انسانها با یکدیگر از منظر قرآن و روایاتی، هدف اصلی این تحقیق به شمار می‌آید.

- اهداف فرعی این تحقیق عبارتند از :

۱- تعریف آداب و گفتگو

۲- توضیح انواع گفتگو در قرآن و ضرورت گفتگو

۳- بیان شاخص‌های یک گفتگوی مؤثر

۴- بیان جایگاه و استقبال اسلام از گفتگو

۵- شناخت شیوه گفتگوی میان افراد در اجتماع

## روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش کتابخانه ای و با رجوع به کتب تفسیری قرآن و همچنین روایات معصومین (علیهم السلام) و دیدگاه روانشناسان سامان یافته است .

## ساختار تحقیق

فصل اول ، کلیات که شامل بیان مسأله ،اهمیت و ضرورت ،سؤالها واهداف تحقیق و ... می باشد .

فصل دوم ، مفهوم شناسی و فنی بودن گفتگواز منظر قرآن وروایات که شامل بخشهای معنای آداب ، معنای گفتگو ، اهمیت

فنی بودن گفتگو از منظر روایات ونگاهی اجمالی بر آداب اولیه گفتگو است .

فصل سوم ، توضیح انواع گفتگو در قرآن که شامل بخشهایی همچون انواع گفتگو در قرآن ، استقبال اسلام از گفتگو و گفتگو با

ادیان دیگر است .

فصل چهارم ،در این فصل نیز به بررسی شاخص های گفتگوی اثر بخش را پرداخته شده است .

## پیشینه تحقیق

۱- کتاب آداب گفتگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات نوشته علی اصغر رضوانی از فصلهایی با عنوان مفهوم واقسام مناظره ، ضرورت گفتگو و مناظره ، آداب گفتگو ، مناظره در قرآن ، گفتگوی ادیان و ... ، تشکیل شده است که از مجموع این فصلها ، متناسب با موضوع تحقیق که آداب گفتگوی انسانها بایکدیگر از منظر قرآن و روایات است ، فصلهای ضرورت گفتگو و مناظره ، آداب گفتگو ، گفتگوی ادیان ، مورد استفاده قرار گرفته است .

۲- کتاب اخلاق معاشرت نوشته جواد محدثی از فصلهایی با عنوان : شناخت مراعات حقوق دیگران ، سلام و مصاحفه ، خوشرویی و خوشخویی و ... تشکیل شده است که از مجموع این فصلها متناسب با موضوع تحقیق که آداب گفتگوی انسانها بایکدیگر از منظر قرآن و روایات است ، فصل سلام و مصافحه ، خوشرویی و خوشخویی ، مورد استفاده پژوهش حاضر قرار گرفته است .

۳- مقاله اهمیت تعامل و گفتگوی فرهنگی در منظر قرآن ، نوشته مهسا فاضلی در سال ۱۳۸۱ که شامل قسمتهای مختلفی همچون مبانی گفتگو و تعامل ، انواع گفتگو های فرهنگی و تبیین اصول و روشهای رویارویی فرهنگی است . که از مجموع این قسمتها ، متناسب با موضوع تحقیق حاضر ، بخش انواع گفتگو های فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته است .

مطالعه آثار فوق وجه تمایز تحقیق حاضر با آنها را نشان می دهد ، بدین صورت که هدف اصلی مقاله پیش رو بررسی همه جا نیه آداب و اخلاق گفتگو با تکیه بر قرآن و روایات و تفاسیر است ولی در آثار مذکور تنها بخشی از امور اخلاقی در گفتگو اشاره شده است همچنین در تحقیق حاضر به استقبال اسلام از گفتگو نیز اشاره شده است ؛ لذا جامعیت و تکیه بر مباحث قرآنی گفتگو در نظر داشتن آداب گفتگو معصومین (علیهم السلام) از نوآوری این تحقیق به شمار می آید .

## فصل دوم

# مفهوم شناسی وفنی بودن گفتگو از منظر قرآن و روایات

## تعریف آداب و گفتگو

برای بررسی آداب و گفتگو در قرآن، ابتدا تعریف دو واژه آداب و گفتگو ضروری به نظر می‌رسد زیرا ممکن است هر پژوهشگری، معنای خاصی از آداب یا را مد نظر خود قرار دهد.

## معنای لغوی آداب

آداب در لغت به رفتارها و حالت‌های دخیل در کمال و حسن چیزی تادیب و تنبیه و نیز علوم ادبی معنی شده است.<sup>۱</sup>

## معنای اصطلاحی آداب

آداب در ابواب متعدد به همان معنای لغوی استعمال شده است. اما با توجه به تعدد معنای لغوی آنچه در بیشتر ابواب فقهی منظور فقیهان است، مجموع رفتارها و هیأت‌هایی است که فعل یا ترک آنها از دیدگاه شارع مقدس موجب حسن و کمال فعل یا موضوعی می‌شود که حکم شرعی به آن تعلق گرفته است. همچون آداب نماز، روزه، زیارت، جهاد و ...<sup>۲</sup>

## معنای لغوی و اصطلاحی گفتگو

گفتگو به لحاظ لغوی در زبان فارسی به معنای «مباحثه، مجادله، مکالمه، گفتار و گفت و شنود و ... آمده است»<sup>۳</sup> مرحوم طبرسی در مورد گفتگو می‌فرماید: «گفتگو یعنی بازگشت به همان محاورت و گفته می‌شود که محاوره به معنای این است که سخن را به او باز گرداند و با هم گفتگو کردند»<sup>۴</sup>

در قرآن کریم نیز محاوره دوبار در سوره کهف آمده است: «فقال لصاحبه وهو يحاوره انا اكثر منك مالا و اعززا نفرا»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - مؤسسه دایرة المعارف فقه، فرهنگ فقه ((مطابق مذهب اهل بیت (ع))) ج ۱، چاپ دوم، قم، نشر مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳

<sup>۲</sup> - همان

<sup>۳</sup> - علی اکبر، دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹۲۸-۱۶۹۳۱

<sup>۴</sup> - راضیه، علی اکبری، "اشاعه منطق و گفتگو میان مسلمانان با معیارهای قرآنی"، مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس وحدت اسلامی، چاپ اول، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نشر معاونت فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۵

((پس یک روز به همراه خویش- که با وی گفتگو می کرد- گفت: من از تو مال بیشتر و در نفر بیشترم)). همچنین در آیه دیگر سوره کهف می فرماید: ((وقال له صاحبه وهو يحاوره اكفرت بالذی خلقك من تراب ثم من نطفه ثم سواك رجلا))<sup>۱</sup>

همراه وی که با وی گفتگو میکرد گفت: آیا به کسی که تو را از خاکی، سپس از نطفه ای آفرید، آنگاه تو را مردی برآورد کفر می ورزی؟

برای گفتگو تعاریف دیگری نیز در کتبهای متعدد بیان شده که با نگاهی اجمالی به آنها می توان فهمید که مهمترین نکته در مسأله گفتگو، درک و احترام متقابل است. لذا باید نگاهی هم به شخص و هم به باورهایش در گفتگو احترام نهاد. شایان ذکر است که در تحقیق حاضر منظور از آداب، مجموع رفتارهایی است که فعل یا ترک آنها از دیدگاه قرآن و روایات موجب میشود تا گفتگو همراه با اخلاق اسلامی صورت گیرد.

## فنی بودن گفتگو از منظر قرآن و روایات

از روایات استفاده میشود که مناظره و گفتگو فن خاصی است؛ لذا کار هر کسی نیست و باید در موضوع مورد نظر، استاد بود و توانایی و اطلاع کامل درباره آن موضوع داشت:

- طیار میگوید: ((قلت لابی عبدالله (علیه السلام) بلغنی انک کرهت منّا مناظره الناس و کرهت الخصومه؟ - فقال ابی عبدالله (علیه السلام): امّا کلام مثلک فلا نکرهه، من إذا طار أحسن أن یقع وإن یحسن أن یطیر، فمن کان هكذا فلا نکرهه کلامه))<sup>۲</sup>

به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: شنیدم از گفتگوی ما با مردم ناخشنودی و مناظره را نمی پسندی؟ امام فرمود: از سخن گفتن امثال تو ناخشنود نیستم؛ انسانهایی که اگر بال گسترند، خوش می نشینند و اگر بنشینند، نیک اوج می گیرند. گفتگوی چنین افرادی را ناخوش نمی دارم.

از این روایت به خوبی روشن است که طیار آداب گفتگو و فنون آن را کاملاً میدانسته و در آن استاد بوده؛ که امام صادق (علیه السلام) او را به افراد در حال اوج گرفتن و اشخاص نیکو سرشت تشبیه کرده است. لذا طبق این روایت به خوبی روشن است، قصد حضرت این بوده که به عامه مردم بفهماند همانگونه که هر کاری فن خاصی دارد، گفتگو و مناظره نیز

<sup>۱</sup> - کهف(۱۸)آیه ۳۴.

<sup>۲</sup> - کهف(۱۸) ۳۷

<sup>۳</sup> - مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۱۳۶

فنون خاص خود را داشته و هر کسی این فنون را نمیداند و تنها افرادی شایستگی گفتگو و مناظره را دارن که به این فن ها پایبند باشند.

- همچنین از شیخ مفید (قدس سره) نقل شده :

((روی أن صادق (عليه السلام) نهی رجلا عن الكلام و أمر آخر به ، فقال له بعض أصحابه جعلت فداك ! نهیت فلاناعن

الكلام وأمرت هذا به؟ فقال (عليه السلام) : هذا ابصر بالحجج وأرفق منه ))





از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که شخصی را از ورود به مناظره و گفتگو نهی کرد و شخص دیگری را به این کار دستور داد؛ یکی از یاران آن حضرت گفت: فدایت شوم! فلانی را از ورود به مناظره و گفتگو نهی کردی و دیگری را به آن فرمان دادی؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: وی به استدلالها بیناتر و مدارا کننده تر از دیگری است. این روایت نیز بیان کننده این است که هر کسی به فنون گفتگو آگاه نیست بلکه تنها افرادی به آن استاد هستند و ائمه نیز پیوسته سفارش کرده اند که تنها با افرادی که فنون گفتگو و مناظره را میدانند وارد بحث و گفتگو شوید.

## آداب اولیه گفتگو

از آیات و روایات استفاده می شود که مناظره و گفتگو آداب و شرایطی دارد:

### ۱ - نگاه کردن به سخن نه گوینده آن؛

خداوند متعال می فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»<sup>۱</sup>

پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکو ترین آن ها پیروی می کنند.

همچنین در همین رابطه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمود: «(خُذِ الْحِكْمَةَ وَلَا يَضُرَكَ مِنْ أَىِّ وَعَاءٍ خَرَجْتَ)»<sup>۲</sup>

(حکمت را فراگیر و این که از کجا بیرون آمده به تو آسیبی نرساند).

در حدیثی دیگر نیز امام علی (علیه السلام) فرموده: «(لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ وَانظُرْ إِلَى مَا قَالَ)»<sup>۳</sup>

(به گوینده منگر، بلکه به آنچه گفت بنگر.) از آیه قرآن واحادیث فوق به خوبی برداشت میشود، سخن پر محتوا

و سنجیده به قدری ارزش مند است که انسان باید در پذیرش آن فروتن بوده و گوینده آن در او تأثیر گذار نباشد و از

شنیدن سخنان آموزنده هیچ اباعی نداشته باشد؛ چه بسا گوینده آن سخن دشمن او بوده و یا فردی در مرتبه ای پایین

تر از خود شخص شنونده باشد.

### ۲ - پیروی از علم

<sup>۱</sup> - زمر (۲۹) آیه ۱۸ - ۱۷

<sup>۲</sup> - علی اصغر رضوانی، همان کتاب، ص ۲۱

<sup>۳</sup> - تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، دار الکتب اسلامی، ۱۴۱۰ قمری، ح ۱۸۹.

خداوند متعال می فرماید: (( ومن الناس من يجادل في الله بغير علم ويتبع كل شيطان مريد ))<sup>۱</sup>

( گروهی از مردم ، بدون هیچ علم و دانشی ، به مجادله درباره خدا برمی خیزند ؛ واز هر شیطان سرکشی پیروی می کنند ) و همچنین در آیه ای دیگر می فرماید : (( الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان آتاهم كبر مقتا عند الله وعند الله معند الذين آمنوا كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار ))<sup>۲</sup>

( همان ها که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برایشان آمده ، باشد به مجادله بر می خیزند ؛ (این کارشان) خشم عظیمی نزد خداوند بر دل هر متکبر جباری مهر می نهد ! )

از رسول خدا (صل الله علیه وآله) نقل شده ، فرمودند: ((من أعان على خصومه به غير علم كان في سخط الله حتى ينزع ))<sup>۳</sup>

(کسی که در نزاع ها از غیر دانش یاری جوید تا هنگام مرگ ، در خشم خداست .)

یکی دیگر از آداب اولیه گفتگو پیروی از علم ودانش در سخن گفتن ودر گفتگوی با دیگران است که این موضوع را به خوبی میتوان از آیات وروایات فوق برداشت کرد چرا که طبق فرموده های بالا به شدت از گفتگو وسخن گفتن بدون علم نکوهش شده است و خداوند به طور مستقیم ا فرادی را که بدون علم لب به سخن میگویند ودر گفتگو ها شرکت میکنند بدون اینکه در موضوع مورد بحث علم ودانشی داشته باشند مورد خشم عظیم خود خطاب کرده است . لذا باید توجه داشت که برای شرکت در گفتگو ها، داشتن علم ودانش کافی درباره موضوع مورد بحث الزامی می باشد .

در رابطه با همین موضوع ، زراره می گوید از امام باقر (علیه السلام) سؤال کردم : حق خدا بر بندگان چیست ؟ حضرت فرمود : ((أن يقولوا ما يعلمون ويقفوا عندما لا يعلمون .))<sup>۴</sup> (اینکه بگویند آنچه را میدانند و زبان نگه دارند از آنچه که نمیدانند)

### ۳ - اهتمام به مجهولات

از امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود : (( إن العالم من عرف إن ما يعلم في ما لا يعلم قليل فعند نفسه بذلك جاهلا

، فزاد به ما عرف من ذلك في طلب العلم اجتهادا ... ))<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - حج (۲۲) آیه ۳

<sup>۲</sup> - غافر (۴۰) آیه ۳۵

<sup>۳</sup> - علی رضوانی ، همان کتاب ، ص ۲۳

<sup>۴</sup> - کلینی ، کافی ، ج ۱ ، بیروت ، دارالاضواء ، بی تا ، ح ۷ ، ص ۴۳

دانشور کسی است که بداند آموخته هایش در بین نا آموخته هایش کم است و به همین جهت ، خویش را نادان بشمارد تا از این رهگذر تلاشش در فراگیری دانش فزونی گیرد) .

حدیث فوق به خوبی مسئله اهتمام به مجهولات را روشن میکند . طبق این حدیث انسان نباید به علم و دانش خود مغرور شود و به آن بسنده کند؛ بلکه از نظر امام علی (علیه السلام) به همین کسی دانشور گفته نمی شود . لذا شخصی که میخواهد وارد گفتگو با دیگران شود نباید به ندانسته های خود نیز توجه داشته و در صدد رفع آنها و پیشرفت خود در مجهولات علمی برآید و به دانسته های خود اکتفا نکند .

#### ۴ - یاری جویی از حقیقت و راستی

امام علی (علیه السلام) فرموده اند : (( بالحق یستهظر المهتج؛ ))<sup>۲</sup> (استدلال کننده از حقیقت یاری جوید) .  
و نیز فرموده اند ((من احتج بالحق فلج؛ ))<sup>۳</sup> (کسی که از حقیقت ، یاری جوید پیروز می شود) . همچنین در حدیثی دیگر برای بیان اهمیت حفظ راستی و حقیقت در گفتگو می فرمایند : ((لا یغلب من یحتج بالصدق؛ ))<sup>۴</sup> (آنکه به راستی استدلال میکند شکست نمی خورد) .  
طبق گفته بزرگان دین وائمه اطهار (علیهم السلام) در هر چیزی حقیقت و راستی بهترین گزینه است . این امر در گفتگو از اهمیت بالایی برخوردار است و همانطور که در احادیث ذکر شده، مشاهده میشود ، طبق فرموده امام علی (علیه السلام) اگر انسان در گفتگو های خود همیشه حقیقت و راستی را بیان کند و از آنها یاری بجوید قطعاً پیروز میدان می شود و گفته هایش در طرف مقابل تأثیر به سزایی میگذارد .

#### ۵ - استمداد از قرآن

از امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: ((من خاصم به فلج و من قاتل به نصر و من قام به هدی الی صراط المستقیم؛ ))<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - بحار الانوار ، همان ، ج ۱ ، ص ۲۰۲

<sup>۲</sup> - غررالحکم ، ج ۴۲۳۵

<sup>۳</sup> - همان ، ج ۷۷۲۷

<sup>۴</sup> - همان ، ج ۱۰۷۰۲

( آن کس که با کمک قرآن گفتگو کند پیروز شود، آن که به یاری قرآن مبارزه کند پیروز شود و آن که به قرآن بر پای ایستد به راه راست رهنمون میشود ) .

قرآن معجزه بزرگ پیامبر ، کتاب زندگی و راهنمای سعادت بشر است . که در تمام مراحل زندگی انسان به کمک او شتافته و همیشه یاور و همراه او بوده است . این کتاب جاوید همیشه راهنمای بشر بوده است و هر کس که قدر آن را دانسته و از وجود آن به خوبی بهره برده باشد در دنیا و آخرت سربلند و پیروز است .

شخصی که در همه ی عرصه های زندگی خود، به خصوص در گفتگوهای خود از رهنمودهای قرآن مدد جوید همیشه پیروز میدان بوده است . خداوند متعال هر آنچه را که انسان برای رسیدن به سعادت نیاز داشته باشد در این کتاب عزیز ذکر کرده است حتی ریزترین موارد را برای داشتن بهترین گفتگوها بیان کرده و پیوسته انسان را به حفظ آداب گفتگو فرا خوانده است .

## ۶ - یاری جستن از خداوند

امام سجاد (علیه السلام) در دعای مکارم الأخلاق می فرماید: ((اللهم صلّ علی محمد وآله، واجعل لی یدا علی من ظلمنی ولسانا علی من خاصمنی وظفرا بمن عاندنی))<sup>۲</sup> پروردگارا! بر محمد و آلش درود و صلوات بفرست و مرا بر آنان که بر من ستم می کنند توانا کن و بر کسی که با من بحث کند، زبانی گویا ده و بر آن که با من دشمنی کند پیروزم فرما.

انسان باید در تمام امور زندگی خود از خداوند یاری بجوید تا در آن کار موفق شود. یکی دیگر از آداب های اولیه که در گفتگو باید رعایت شود، یاری جستن از خداوند است. اگر انسان ائمه اطهار (علیهم السلام) را نیز در این مورد سر لوحه خود قرار دهد به خوبی در میابد که این بزرگواران حتی در سخن گفتن و گفتگو های خود نیز پیوسته از خداوند مدد میجستند و به خاطر همین امر نیز سخنانشان، در همه جا، حتی در مقابل دشمنانشان، تأثیر گذار بوده است و خداوند نیز آنان را یاری میکرد و در گفتگو های خود پیوسته سربلند بودند. بنابراین یادمان باشد اگر بخواهیم به بهترین شیوه سخن بگوییم و در گفتگوهایمان موفق باشیم ابتدا باید از خداوند طلب یاری کنیم، همانگونه که امام سجاد نیز در دعای بالا به خوبی به این امر اشاره کرده است .

---

۱ - بحار الانوار ، همان ، ح ۴۶ ، ص ۲۵

۲ - صحیفه سجادیه ، دعای بیستم

**فصل سوم**

**انواع گفتگو در قرآن و استقبال اسلام از**

**گفتگو**

## توضیح انواع گفتگو در قرآن

گفتگو در قرآن را به سه قسمت کلی تقسیم کرده اند :

### ۱- انواع گفتگو به لحاظ مخاطب

در قرآن، گفتگو های زیادی بین دو یا چند مخاطب نقل شده است، این گفتگو ها گاه بین خداوند و پیامبران و اولیای الهی با فرشتگان است و گاه میان خداوند و آدمیان است. زمانی نیز بین پیامبران، فرشتگان و آدمیان با خداوند است.

همچنین در قرآن گفتگو های متعدد پیامبران با اقوام و گروه های گوناگون گزارش شده است.<sup>۱</sup> مانند:

- گفتگوهای حضرت نوح، حضرت موسی، و حضرت ابراهیم با اقوام خود: ((ابراهیم إذ قال لقومه اعبدوا الله واتقوا ذلکم

خیر لکم ان کنتم تعلمون))<sup>۲</sup> (ابراهیم را (نیز فرستادیم) که به قوم خود گفت: ای مردم خدا را پرستید و از او بترسید که پرستش و ترس خدا اگر بدانید از هر چیزی برای شما بهتر است).

- گفتگو های مؤمنان با منافقان: ((یوم یقولوا المنافقون والمنافقات للذین آمنوا انظرونا نقتبس من نورکم قبل ارجعوا

ورائکم فالتمسوا نورا فضررب بینهم بسور له باب باطنه فیہ الرحمه و ظاهره من قبله العذاب...))<sup>۳</sup>

(آن روز مردان و زنان منافق با اهل ایمان گویند مشتابید و به ما فرصتی دهید تا ما هم از نور شما روشنایی بگیریم؛ در پاسخ به آنها گویند و از پس گردید و از آنجا نور مانند ما طلبید، در این گفتگو باشند که بین آن دوزخیان با اهل بهشت حصاری حایل گردد و بر آن حصار دری باشد، که باطن و درون آن در رحمت است و از جانب ظاهر عذاب خواهد بود).  
- گفتگوی خود انسان با خود نیز جزء این گروه از گفتگو هاست. که منظور از آن، گفتگو های درونی یا تعقل، تفکر و تذکر است. آیاتی از قرآن کریم با ((اذکرو)) شروع میشود که از این طریق، مخاطبین را به اندیشه بیشتر فرا میخواند. در

پایان برخی آیات چنین آمده است: (( افلا تعقلون ))<sup>۴</sup> (چرا تعقل نمی کنید؟) یا عبارتی همچون (( افلا تتذکرون ))<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - مهسا، فاضلی، اهمیت تأمل و گفتگوی فرهنگی در منظر قرآن، فصل نامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۳۳، قم، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷

<sup>۲</sup> - عنکبوت (۲۹) آیه ۱۶

<sup>۳</sup> - حدید (۵۷) آیه ۱۳-۱۶

<sup>۴</sup> - آل عمرا (۴): آیه ۶۵، انعام (۶): آیه ۳۳، اعراف (۷): آیه ۱۶۹، صافات (۳۷): آیه ۱۳۸، قصص (۴۸): آیه ۶۰

<sup>۵</sup> - انعام (۶): آیه ۸۰، یونس (۱۰): آیه ۳، هود (۱۱): آیه ۲۴ و ۳۰، نحل (۱۶): آیه ۱۷، مؤمنون (۳۳): آیه ۸۵، جائیه (۴۵): آیه ۳۳

(چرا به یاد نمی آورید؟) و همچنین عباراتی همچون (( افلا تتفكرون ))<sup>۱</sup> (آیا تفکر نمی کنید؟) به چشم میخورد. اینگونه آیات، انسان را به گفتگو با خویشان و نوعی گفتگوی درونی دعوت می کند.

## ۲- انواع گفتگو به لحاظ روش

با دقت در آیاتی که در آنها الفاظ قال، قیل، قیل، قالوا، یقولون و... به کار رفته است، می توان انواع متعددی از گفتگوهای فرهنگی را مشاهده کرد: (( و إذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا إنما نحن مصلحون ))<sup>۲</sup> (و چون آنان را گویند که فساد در زمین نکنید، گویند: تنها ما کار به صلاح کنیم). هر چند بیشتر آیات قرآن از نوعی مکالمه، گفتمان، مشافهه، سؤال و جواب و یا سؤالات در تقدیر و خطاب های گوناگون حکایت دارد؛ اما در یک نگاه کلی می توان به نمونه هایی از این گفتگوها اشاره نمود:

### ۲-۱- گفتگوهای تبلیغی:

بعضی از آیات قرآن نشانه های ابلاغ دارند. پیامهای هدایتی و برنامه های خداوند از طریق پیامبران به مردم ابلاغ گردیده است؛ (( یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلّغت رسالته والله یعصمک من الناس إن الله لا یهدی القوم الکافرین ))<sup>۳</sup> (ای پیغمبر آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده ای و خدا تو را از شر و آزار مردم محفوظ خواهد داشت، بیم مکن و دل قوی دار که خدا گروه کافران را هدایت نمی کند). همچنین در مواردی زیاد که پیامبر با انکارها و کار شکنی های مخالفان مواجهه می شد، خود را مبلغ معرفی می کرد: (( ابلغکم رسالات ربی و أنا لکم ناصح امین ))<sup>۴</sup> (پیغام خدا را به شما میرسانم و من برای شما ناصح و خیر خواهی مشفق و امین هستم). اهمیت تبلیغ و ارسال پیام های الهی به گونه ای است که در چندین آیه، این گونه بیان شده است که

<sup>۱</sup> - انعام(۶): آیه ۵۰

<sup>۲</sup> - بقره(۲): آیه ۱۱

<sup>۳</sup> - مائده(۵): آیه ۶۷

<sup>۴</sup> - اعراف(۷): آیه ۶۸

پیامبر هیچ وظیفه ای جز ابلاغ و رساندن آشکار تعالیم الهی ندارد: ((...فهل علی رسل الا البلاغ المبین))<sup>۱</sup>؛ (...و آیا جز ابلاغ آشکار بر پیامبران وظیفه ای است؟)

## ۲-۲- گفتگوهای ارشادی

گفتگو در صورتی مؤثر است که از هرگونه خشونت، تحقیر طرف مقابل، تحریک حس لجاجت و مانند آن، خالی باشد. بارها اتفاق افتاده که خداوند در قرآن از پیامبر میخواهد که با اندرز نیکو و حالت ارشادی با مردم گفتگو کند و از بهترین روش ها برای خطاب طرف مقابل استفاده کند در این صورت، یکسر لحن کلام، با هدف پیام گذار هماهنگی دارد و با نوعی نرمی همراه است: ((ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بآئی هی أحسن إن ربک هو اعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو اعلم بالمهتدین))<sup>۲</sup>

((ای رسول ما) خلق را به راه خدا با حکمت و برهان و موعظه نیکو دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن که البته خدای تو دانایتر است به هر که از راه او گم شده واز آنکه هدایت یافته بهتر میدانند) .

## ۲-۳- گفتگوهای استفتایی

در آیاتی از قرآن، در پاسخ به سؤال مطرح شده از پیامبر (صل الله علیه وآله) توضیحاتی بیان می شود و مسائل مورد نیاز و ابتلای مردم روشن میگردد. آیاتی که الفاظ ((یستلونک)) و ((یستفتونک)) در آنها به کار رفته از این قبیل است. همچنین آیاتی از قرآن کریم که در ضمن آنها مطالبی پس از فعل امر ((قل)) بیان شده، از این گونه است؛ بدین معنی که پرسشهای گفته یا ناگفته در میان بوده و آنگاه جواب آنها پس از ((قل)) ارائه شده است. این چگونگی نشان میدهد که قرآن کریم در مواجهه با شبهات و پرسشهای مردم در زمینه مسائل عقیدتی و ... ، برخوردی فعالانه داشته است؛ و اینها همه حاکی از آن است که خداوند در قرآن حتی به پرسش هایی که در خاطرها و ذهنهای مردم جوانه می زده پاسخ داده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - نحل(۱۶): آیه ۲۵

<sup>۲</sup> - همان، آیه ۱۲۵

<sup>۳</sup> - مهسا، فاضلی ، همان، ص ۱۰۸-۱۰۹



برخی گفتگوهای قرآنی، در قالب استفتاء یا پرسشهای فقهی و آموزشی است. عده ای از مردم در امری دچار تردید میشوند. از این رو به پیامبر (صل الله علیه وآله) مراجعه کرده و مشکل فکری خویش را حل میکردند:

((ويستفتونك في النساء قل الله يفتيكم فيهن وما يتلى عليكم في الكتاب في يتامى النساء اللّاتي توتوهنّ ما كتب لهنّ وتر

غوبهنّ أن تنكوهنّ والمستضعفين من الولدان وان تقولوا لليتامى بالقسط وما تفعلوا من خير فأن الله كان به عليما))<sup>۱</sup>

ای پیغمبر خدا درباره زنان رأی تو را می خواهند، بگو خدا در باره ی آنان به شما فتوا می دهد و نیز در باره ی آنچه در قرآن بر شما تلاوت می شود هم در حق زنان و یتیمی که حق مقرر آنان را به ایشان نمی دهید و تمایل به ازدواج با آنان دارید و درباره ی کودکان ناتوان واینکه بایتمیان از روی عدل ودرستی رفتار کنید، پاسخگوی شماست وهر کار نیکی انجام دهید، قطعاً خدا به آن داناست).

## ۲ - ۴ - گفتگوهای استدلالی

این بخش مهمترین بخش گفتگوهاست. چرا که در بسیاری از آیات قرآن و مناظرات معصومان استفاده از استدلال و برهان مورد تأکید قرار گرفته است و با ذکر دلایل عقلانی و منطقی طرف مقابل دعوت به تفکر شده و سرانجام قانع گردیده است:<sup>۲</sup> ((... قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین!))<sup>۳</sup> (... بگو: اگر راست میگوئید، دلیل خود را بیاورید). در این گونه گفتگوها خداوند از مخاطبین میخواهد دلیل خویش را اقامه کنند و به طور غیر مستقیم به آنان میفهماند که شما راستگو نیستید. از این رو، تعبیر ((ان کنتم صادقین)) در قرآن کریم زیاد به کار رفته است.<sup>۴</sup>

قرآن کریم در موارد مختلف، برای اثبات ادعای خود به استدلال های عقلی روی می آورد، مانند: ((لو كان فيهما الهة الا الله لفسدتا فسيحان الله رب عرش عما يصفون))<sup>۵</sup>؛ اگر در آسمان و غیر از خدای یکتا خدایی وجود داشت همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه میافت، پس (از نظم ثابت عالم) بدانید که پادشاه ملک وجود خدای یکتاست و از توصیف و برهان مشرکان پاک و منزّه است.

<sup>۱</sup> - نساء(۴): آیه ۱۲۷

<sup>۲</sup> - مهسا، فاضلی، همان، ص ۱۰۹

<sup>۳</sup> - بقره(۲) آیه ۱۱۱، نمل(۱): آیه ۶۴

<sup>۴</sup> - مانند: بقره(۲) آیه ۹۴ و ۹۵، آل عمران(۳) آیه ۹۳ و ۹۴ و ۹۵، انعام(۶) آیه ۱۴۳ و ۱۴۴، اعراف(۷) آیه ۱۰۶ و ۱۰۷، یونس(۱۰) آیه ۳۸ و ۳۹، هود(۱۱) آیه ۱۳ و ...

<sup>۵</sup> - انبیاء(۲۱) آیه ۲۲

معمر ابن راشد می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: (مردی یهودی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمده و در مقابل او ایستاده به او نظر کرد. حضرت به او فرمود: ای یهودی حاجت تو چیست؟ عرض کرد تو برتری یا موسی بن عمران، پیامبری که خدای عزوجل با او سخن گفته و بر او تورات و عصا نازل کرد و میان دریا را بر او شکافت و بر او با ابرها سایه افکند؟ حضرت فرمود: خدا بر بنده کراهت دارد که خودش را تعریف کند ولی من میگویم: همانا آدم چون از او خطا سر زد توبه او این بود که گفت: بار خدایا! به حق محمد از تو میخواهم که مرا بیامرزی، در این حال بود که خداوند او را آمرزید. و اینکه نوح چون بر کشتی سوار شد و از غرق شدن ترسید، عرض کرد: بار خدایا! تورا به حق محمد و آل او می خوانم که مرا از غرق شدن نجات دهی و در آن هنگام بود که خداوند او را از غرق شدن نجات داد. و اینکه موسی چون عصای خود را بر زمین افکند، ترس بر دل او وارد شد، در آن هنگام عرض کرد: بار خدایا! از تو می خواهم که مرا در امان داری، در این حال بود که خداوند متعال فرمود نترس که تو بر او برتری داری. ای یهودی از ذریه من مهدی است که هر گاه خروج کند، عیسی بن مریم به جهت یاری او از آسمان فرود آمده و او را جلو خواهد فرستاد و پشت سر او نماز می گزارد.<sup>۱</sup>

با توجه به روایت بالا به خوبی مشاهده میشود که پیامبر اکرم با استدلال های روشن به پرسش مرد یهودی پاسخ داد و دیگر هیچ جای ابهام و شکی برای او باقی نگذاشت.

## ۲ - ۵ - گفتگو های احساسی

در بعضی از آیات قرآن، خداوند استفاده از حواس را تشویق کرده است. مثلا برای بیان عدم تساوی موحد و مشرک در قرآن، خداوند می فرماید: ((... قل هل يستوى الاعمى والبصير ام هل تستوى الظلمات والنور ام جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه الخلق عليهم قل الله خالق كل شيء وهو الواحد القهار))<sup>۲</sup> (ای رسول ما) بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینایی عالم عارف یکسان است؟ یا ظلمات (شرک و بت پرستی) با نور (معرفت و خدا شناسی) مساوی است؟ یا اینکه این مشرکان شریکانی برای خدا قراردادند که آنها هم مانند خدا چیزی خلق کردند و بر مشرکان، خلق خدا و خلق شریکان خدا مشتبه گردیده؟ (هرگز چنین نیست) بگو: بلکه تنها خدا خالق هر چیز است و او خدای یکتایی است که همه عالم مقهور اراده اوست.

<sup>۱</sup> - طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۱ هجری قمری، ص ۴۷-۴۸

<sup>۲</sup> - رعد (۱۳) آیه ۱۶

هنگامی که حضرت موسی (علیه السلام) از آزار واذیت وکارشکنی های قوم خویش خسته شد، از عواطف و احساسات آنان استفاده کرد: ((وإذ قال موسى لقومه يا قوم لم تؤذونني وقد تعلمون اني رسول الله اليكم فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم والله لا يهدي قوم الفاسقين))<sup>۱</sup> (یاد آر) وقتی که موسی به قوم خود ای قوم برای چه مرا رنج و آزار می دهید (وتهمت سحر و کذب و عیبهای دیگر بر من می بندید) در صورتی که بر شما معلوم است که من رسول خدا به سوی شما هستم باز چون (از حق) روی گردانیدند خدا هم دلهای بی نورشان را (از سعادت و اقبال به حق) بگردانید و خدا هرگز مردم نابکار فاسق را هدایت نخواهد کرد.

## ۲-۶ - گفتگو های اقناعی

آیاتی در قرآن به چشم می خورد که در آنها نحوه استدلال و اثبات حقانیت از شیوه اقناع کردن مخاطبان است و آنها را به نحوی مورد پرسش قرار میدهد که نمی توانند از حق سزباز زند نمونه هایی از آن در موارد زیر یافت میشود:

((و لئن سألتهم من خلق السماوات و الارض و سحر الشمس و القمر ليقولن الله فاني يوفكون))<sup>۲</sup>

(هرگاه از آن ها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخره کرده است؟ می گویند: الله، پس با این حال چگونه از عبادت خدا منحرف میشوند؟

((و لئن سألهم من نزل من السماء ماء فاحيا به الارض من بعد موتها ليقولن الله قل الحمد لله بل اكثرهم لا يعقلون))<sup>۳</sup>

(و اگر از آنها بپرسی چه کسی از آسمان، آبی نازل کرد و به وسیله آن، زمین را بعد از مردنش احیا نمود؟ میگویند خدا.

## ۳- انواع گفتگو به لحاظ موضوع

از آنجا که مخاطبان اسلام کسانی هستند که قابلیت هدایت و پذیرش را دارند، هر موضوعی که مرتبط با انسان و در مسیر هدایت و تکامل او باشد، می تواند موضوع گفتگو قرار گیرد.

گفتگوهای فرهنگی در اسلام را میتوان به لحاظ موضوع به صورت زیر دسته بندی کرد<sup>۴</sup> و برای آنها مصادیقی از آیات قرآن ذکر نمود:

<sup>۱</sup> - صف (۶۱) آیه ه

<sup>۲</sup> - عنكبوت (۲۹) آیه ۶۱

<sup>۳</sup> - همان، ۶۳

<sup>۴</sup> - مهسا فاضلی، همان، ص ۱۱۰

### ۳ - ۱ - گفتگو درباره توحید، خدا پرستی، نفی شرک و تعدد خدایان و ...

در آیات زیر انواع گفتگو بیان شده در قرآن با موضوع خداپرستی، نفی شرک و امثال آن را به خوبی میتوان مشاهده کرد: (( یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون ))<sup>۱</sup> (ای مردم خدایی را بپرستید که آفریننده شما و آنان که پیش از شما بودند، باشد که (به طاعت و معرفت او) پارسا و منزّه شوید).

((قل هو الله احد))<sup>۲</sup> (بگو او خدای یکتاست).

((قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون))<sup>۳</sup> (ای رسول ما بگو: که ای کافران (مشرک) من آن (بت ها) را که شما می پرستید، هرگز نمی پرستم).

### ۳ - ۲ - گفتگو درباره معاد و روز جزا، ثواب و عقاب، بهشت و دوزخ و ...

آیات بسیاری در باب گفتگو های خداوند با مؤمنان و مشرکان، با موضوع روز جزا و معاد و در مورد پاداش بهشتیان و ویژگیهای آنها و هم چنین کیفر جهنمیان و صفاتشان، در قرآن به چشم میخورد. برای نمونه میتوان به آیات زیر اشاره کرد: ((وللذین کفروا بر بهم عذاب جهنم و بس المصیر))<sup>۴</sup> (و بر آنان که به خدای خود کافر شدند، عذاب جهنم که بسیار بد منزلگاهی است مهیّا است).

(( واذا وقعت الواقعة لیس لواقعها کاذبه ))<sup>۵</sup> (هنگامی که آن واقعه بزرگ قیامت واقع گردد که در وقوعش هیچ کذب نیست).

(( و اما من خاف مقام ربّه و نهی عن نفسه عن الهوی فان الجنة هی الماوی ))<sup>۶</sup> (و هر کس از حضور در پیشگاه ربوبیت بترسد و از هوای نفس دوری جوید، همانا بهشت منزلگاه اوست).

---

<sup>۱</sup> - بقره (۲) آیه ۲۱

<sup>۲</sup> - توحید (۱۱۲) آیه ۱

<sup>۳</sup> - کافرون (۱۰۹) آیه ۱ و ۲

<sup>۴</sup> - ملک (۶۷) آیه ۶

<sup>۵</sup> - واقعه (۵۶) آیه ۱ و ۲

<sup>۶</sup> - النازعات (۷۹) آیه ۴۱ و ۴۲

### ۲-۳ - گفتگو در زمینه قرآن و حقانیت آن، ویژگیهای کتاب الهی، عدم تحریف و...

خداوند با ذکر آیات بسیاری در قرآن کریم، به حقانیت قرآن و اینکه این کتاب آسمانی از جانب خود او است؛ و بسیاری از مسائلی که بعده ها درباره تحریف قرآن زده شد سخن گفته و با همه انسانها را مورد خطاب قرار داده و گفتگو کرده است؛ که برای نمونه میتوان به آیه زیر اشاره کرد:

(( ان الذین کفروا بالذکر لما جاءهم و انه لکتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلف تنزیل من حکیم حمید))<sup>۱</sup>

(همانا آنانکه با این قرآن که برای هدایت آنها آمد، کافر شدند در صورتی که این کتاب به حقیقت همان صاحب عزت است و هرگز از پیش و پس این کتاب حق، باطل نشود. زیرا او فرستاده خدای مقتدر، حکیم و ستوده صفات است).

### ۳-۴ - گفتگو درباره حرامها و حلالهای الهی، آداب و رسوم حاکم بر زمان و...

یکی دیگر از نشانه های حکیم بودن خداوند این است که در قرآن به گفتگو در مورد تمام موارد زندگی انسان در این دنیا، از جمله حلال و حرام ها هم اشاره کرده است و حتی آداب و رسوم زمانهای مختلف را هم بیان نموده و این را یکی از اعجاز های قرآن هم میتوانیم در نظر بگیریم :

(( یا ایها الذین امنوا کلو من طیبات و ما رزقناکم و اشکروا لله ان کنتم ایاه تعبدون ))<sup>۲</sup> (ای اهل ایمان از روزی حلال و

پاکیزه ای که نصیب شما کرده ایم بخورید و شکر خدا را به جای آرید اگر شما خالص خدا را می پرستید).

((أما حرمّ علیکم المیتة و الدم الخنزیر و ما احل به لغير الله فمن اضطرّ غیر باغ و لا عاد فلا اثم علیه ان الله غفور رحیم))<sup>۳</sup>

(به راستی حرام گردانید خدا بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و هر چه را که به اسم غیر خدا کشته شده باشند. پس هر کس به خوردن آنها محتاج شود در صورتیکه به آن تمایل نداشته و اندازه سدرمق نیز تجاوز نکند، بر او گناهی نخواهد بود که به قدر احتیاج بخورد. به درستی که خدا آمرزنده و مهربان است).

<sup>۱</sup> - فصلت(۴۱) آیه ۴۲ و ۴۱

<sup>۲</sup> - بقره(۲) آیه ۱۷۳

<sup>۳</sup> - همان، ۱۷۳

## استقبال اسلام از گفتگو

آنچه از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) و سیره عملی پیامبر اکرم و ائمه اطهار در این زمینه بدست می آید، این است که اسلام از گفتگو استقبال می کند. مادامی که دشمن در صدد لجاجت و دشمنی بر نیامده باشد. قرآن کریم به عنوان یک دستور تبلیغی در آیات بسیاری - که پیش از این نیز به آن اشاره شده<sup>۱</sup> - به پیامبر فرموده که با نرمی و زیبایی با مردم به گفتگو بپردازد. و در آن آیه ها با بیانی عام، سخن به میان آورده است؛ که شامل هرگونه بحث با هر شخصیتی یا گروهی که در پی یافتن حقیقت است می باشد. و برای بیان اهمیت شیوه گفتگو در آیه زیر این گونه به مؤمنان خطاب شده است:

((ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی أحسن الا الذین ظلموا منهم))<sup>۲</sup> (با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است

مجادله نکنید، مگر کسانی از آنها که ستم کردند).

اسلام از منطق گفتگو با آغوش باز استقبال می کند و دلیل این استقبال هم شاید این باشد که اساسا انسانها در قلمروهای گوناگون معرفتی، یک سلسله یقینهایی دارند که باید برای تحقق آنها تلاش مشترکی انجام دهند و دربارہ مسائلی که مورد اختلاف است، باید سعی داشته باشند که با همکاری، به جوابهای مطمئن تر و یقینی تری نایل شوند که یکی از راههای بحث و مناظره، گفتگو است.<sup>۳</sup>

## گفتگو با ادیان دیگر

از جمله مسائلی که اسلام با دید باز آن را پذیرفته و به آن دعوت نموده، مسئله گفتگو با ادیان دیگر است. اسلام نه تنها پیروان سایر ادیان را به گفتگو و شنیدن سخن یکدیگر دعوت می کند؛ بلکه خود در این زمینه راهکارهای علمی داشته و رهبران آن، مباحثات بسیاری با دیگر ادیان داشته اند. این موضوع را به خوبی می توان در آیات قرآن که کتاب بزرگ دین اسلام است مشاهده کرد و با اندکی تأمل دریافت. همچنین در نگاهی به سخن گفتن معصومین (علیهم السلام) نیز می توان آن را به خوبی فهمید و درک کرد.

---

<sup>۱</sup> - مراجعه شود به قسمت انواع گفتگوها به لحاظ روش، بخش گفتگوهای ارشادی

<sup>۲</sup> - عنکبوت (۲۹) آیه ۴۶

<sup>۳</sup> - علی اصغر، رضوانی، همان، ص ۲۰۴

برای نمونه به گفتگوی پیامبر با انصار، اشاره می کنیم که در آن به خوبی آداب گفتگو رعایت شده و این خود نشان دهنده این است که دین بزرگ اسلام حتی در گفتگو با ادیان دیگر هم حفظ آداب گفتگو را برای تأثیر بیشتر ملاک قرار می دهد:

مجلسی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: (نصارای نجران بر رسول خدا (صل الله علیه وآله) به همراه بزرگان، وارد شدند و چون وقت نمازشان شد شروع به زدن ناقوس کرده و نماز به جای آوردند. اصحاب حضرت عرض کردند: ای رسول! آیا اجازه میدهی تا در مسجد ناقوس زده شود؟ فرمود: آنها را رها کنید؛ چون از نمازشان فارق شدند به رسول خدا (صل الله علیه وآله) نزدیک شده و عرض کردند: به چه چیز ما را دعوت میکنی؟ حضرت فرمود: به گواهی بر وحدانیت خدا و اینکه من فرستاده اویم، و اینکه عیسی بنده مخلوق خدا است. که میخورد و می آشامد و قضای حاجت میکند. عرض کردند پس پدر او کیست؟ (در همان هنگام بر حضرت وحی نازل شد و فرمود: به آنان بگو که در حق آدم چه می گویند؟) آیا او بنده مخلوق خدا نبود که می خورد و می آشامد و قضای حاجت می کرد و ازدواج می نمود؟ پیامبر (صل الله علیه وآله) این سؤال را از آنها کرد و آنان در جواب او گفتند: آری. حضرت فرمود: پس پدر او که بود؟ همه ساکت ماندند. در این هنگام بود که این آیه نازل شد، (همانا مثل عیسی نزد خداوند همانند آدم است) تا آنکه می فرماید لعنت خداوند را بر دروغ گویان قرار می دهیم) و ...<sup>1</sup>

## **فصل چهارم**

# **بررسی شاخص های گفتگوی اثر بخش**



## شاخص های گفتگوی اثر بخش

سخن گفتن بارزترین وجه تمایز آدمی از حیوان است. توانایی بیان یکی از بزرگترین نعمتهایی است که در اختیار انسان قرار گرفته و این امر بسیار مورد توجه قرآن می باشد: ((خلق الانسان علمه البیان))<sup>۱</sup> (انسان را آفرید و بیان را به او آموخت).

مسئله سخن گفتن همانطور که گفته شد، بسیار مورد توجه قرآن است. قرآن نه تنها سخن، بلکه گفتار و بیان را نیز مورد توجه قرار داده است. با کنکاش در آیات روح بخش قرآن، میتوان دریافت که گفتگو آنگاه اثر بخش خواهد بود که از شاخص های زیر برخوردار باشد:<sup>۲</sup>

### ۱- هدف محوری

گفتگو باید برای هدفی خاص باشد؛ زیرا انسان مؤمن به تعبیر قرآن کریم از هر نوع گفتار یا رفتار لغو و بیهوده روی گردان است: ((والذین هم عن اللغو معرضون))<sup>۳</sup> (و آنان از هر گفتار و کردار بیهوده و بی فایده روی گردانند) در آیات دیگر قرآن کریم، مؤمنان را از بیهوده گفتن و بیهوده شنیدن بر حذر داشته است؛ از جمله میفرماید: ((و إذا سمعوا اللغو عرضوا عنه))<sup>۴</sup> (هرگاه سخن لغو و بیهوده می شنوید از آن روی گردانید). در سخن معصومین (علیهم السلام) نیز هدف محوری در گفتگوها برای اثر بخشی بیشتر بسیار تأکید شده است. برای نمونه امام علی (علیه السلام) میفرماید: ((عجبت لهنّ یتکلمن بما لا ینفعهن فی الدنیا ولا ینتفعن لهنّ لهُوَ اَجْرُهُ فی الآخِرهِ))<sup>۵</sup> (مرا تعجب است از کسی که سخن میگوید به آنچه نه نفع دنیوی در آن باشد و نه اجر اخروی)

<sup>۱</sup> - الرحمن (۵۵) آیه ۴

<sup>۲</sup> - قدرت ذوالفقاری، سهراب مروتی، محمدرضا شیر خوانی، ((شاخص های سخن گفتن در اسلام))، مجله معرفت ۱۹۷، قم، ۱۳۹۳، ص ۸۰

<sup>۳</sup> - مؤمنون (۲۴) آیه ۲

<sup>۴</sup> - قصص (۲۸) آیه ۵۵

<sup>۵</sup> - تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۴۶۳

## ۲ - پر محتوایی

بدیهی است وقتی گفتگو خوب و پر محتوا باشد، هدایتگر است و سخن بیهوده وبی مایه میتواند گمراه کننده و در نتیجه موجب عذاب گوینده اش گردد. (( ومن الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله به غير علم ويتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهين ))<sup>۱</sup> (برخی از مردم، کسانی اند که سخن بیهوده را خریدارند تا مردم را بی هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را به ریش خند گرفته اند ، برای آنان عذابی خوار کننده خواهد بود)

بنابراین بر سخنان بی محتوا هیچ ارزشی مرتبط نیست . و نه تنها هیچ خیری به دنبال ندارد، بلکه عذاب الهی را نیز برای صاحبانشان در پی خواهند داشت، اما در مقابل، سخنان پر محتوا و نیکی که به منظور اصلاح، امر به نیکی و معروف گفته می شود مایه ی جلب خشنودی خدا خواهد بود. (( لا خير في كثير من نجواهم الا من امر به صدقه او معروف او اصلاح بين الناس ومن يفعل ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتيه اجرا عظيما ))<sup>۲</sup> (در بسیاری از رازگویی های ایشان خیری نیست مگر کسی که به این وسیله امر به کمک دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد).

کلام بی محتوا و بدون پیام، سخنانی است بی روح که صرفا برای خنداندن دیگران و وقت گذرانی در غالب مزاح و خنده ریخته میشود و بر مبنایی جز باطل و بیهوده گویی استوار نیست . در چنین مواقعی غالبا عقل و حکمت و جدیت کنار گذاشته شده و دلچسپی و هزرگی، یکتازه میدان می شود . چنین کلامی در بیان اهل بیت (علیهم السلام) مورد سرزنش قرار گرفته است . امیر المؤمنین (علیه السلام) اسوه ی بیان هنری، می فرماید: (نفوس خود را از مزاح و حکایتهای باطل و خنده دار نکه دارید و وقار آن را حفظ کنید).<sup>۳</sup>

## ۳ - تبیین حقیقت

دقت و تأمل در گفتار و کلام، از دو جنبه اهمیت زیادی دارد : ۱- دقت در مطابقت سخن با مقصود، ۲- دقت در مطابقت مطلب و کلام به حقیقت و واقعیت . کلام با این ویژگی ها، همان سخن حق و بیان حقیقت است که خداوند در قرآن بدان

۱ - لقمان (۳۱) آیه ۶

۲ - نساء (۴) آیه ۱۱۴

۳ - تمیمی آمدی ، همان کتاب ، ص ۲۳۳

دستور داده است: ((يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا))<sup>۱</sup> (ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید)

از نظر علامه طباطبایی، ((قول سدید))، عبارت است از کلامی که هم مطابق با واقع باشد، و هم لغو نباشد، و یا اگر فایده دارد فایده اش چون سخن چینی و امثال آن، غیر مشروع نباشد. پس بر مؤمن لازم است به آنچه می گوید مطمئن باشد، و نیز گفتار خود را بیازماید که لغو و مایه ی فساد نباشد)<sup>۲</sup>.

امام علی (علیه السلام) نیز فرموده است: ((أحسن القول السداد))<sup>۳</sup> (بهترین سخنها، سخن درست و استوار است). و در نتیجه ((قول سدید)) همان سخن حقی است که عاری از هر گونه باطلی باشد. چراکه سخن گفتن از بزرگترین نعمتهایی است که در اختیار انسان قرار گرفته است و باید بهره گیری از این موهبت الهی به شکل صحیح و خدا پسندانه ای صورت گیرد.

#### ۴- پرهیز از دروغ گویی

اگر انسان میخواهد گفتارش مطلوب و اثر گذار باشد، باید از کذب و دروغ گویی در کلام خویش خوداری ورزد؛ وگرنه این آفت بزرگ مانع از نتیجه بخش بودن آن سخن میگردد. دروغ از گناہانی است که به شدت در اسلام از آن نهی شده است: ((إنما يفترى الكذب الذين لا يؤمنون بآيات الله ...))<sup>۴</sup> (تنها کسانی دروغ پرداز می کنند که به آیات خدا ایمان ندارند). آیه اخیر از آیات تکان دهنده ای است که در زمینه زشتی دروغ سخن میگوید و دروغ گویان را در سر حد کافران و منکران آیات الهی قرار میدهد. اگر چه مورد آیه دروغ و افترا بر خدا و پیغمبر (صل الله علیه وآله) است، ولی به هر حال زشتی دروغ اجمالا در این آیه مجسم شده است. همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد پرهیز از دروغ گویی، حتی به شکل غیر جدی آن می فرماید: ((لا يجد عبد طعم الايمان حتى يترك الكذب هزله وجّه))<sup>۵</sup> (هیچ بندهای طعم ایمان را نمی چشد مگر اینکه دروغ را ترک کند، خواه شوخی باشد، خواه جدی).

۱- احزاب (۳۴) آیه ۷۰

۲- سید محمد طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴، ص ۵۲۳

۳- تمیمی آمدی، همان کتاب، ص ۱۸۶

۴- نحل (۱۶) آیه ۱۰۵

۵- کلینی، الکافی، ج ۱۲، چاپ چهارم، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۷ قمری، ص ۴۴۰

## ه - پرهیز از غیبت دیگران

قرآن کریم شدیداً از غیبت نکوهش نموده است: ((ولا یغتب بعضکم بعضاً أیحب أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتا

فکرهتموه))<sup>۱</sup> (و هیچ یک از شما از دیگری غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که "وشت برادر مرده ی خود را بخورد؟ پس قطعاً بیزارید) .

غیبت در حقیقت ابطال هویت و شخصیت اجتماعی افرادی است که خودشان از جریان اطلاعی ندارند و خبر ندارند که پشت سرشان چه چیزهایی میگویند و اگر خبر داشته باشند نمیگذارند پرده ای را که خدا بر روی عیوبشان انداخته به دست دیگران پاره شود.<sup>۲</sup> غیبت مؤمن موجب تحقیر و خدشه دار نمودن شخصیت وی میگردد . این امر شایسته جامعه اسلامی نیست .

در کافی از قول امام جعفر صادق (علیه السلام) آمده است: ((المسلم أخوالمسلم، لا یظلمه، ولا یغشه ولا یخذله ولا یغتابه لا یخونه ولا یحرمه))<sup>۳</sup> (مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمیکند، فریبش نمی دهد، تنهایش نمی گذارد، از او غیبت نمیکند، به او خیانت نمی ورزد، و چیزی را از او دریغ نمی ورزد) . غیبت، اجزای مجتمع بشری را یکی پس از دیگری فاسد می سازد، زیرا افراد را نسبت به هم بد گمان و بی اعتماد می سازد .

## ۶ - تکریم عمومی دیگران

یکی از شاخص های سخن گفتن، کریمانه سخن گفتن است . کرامت در سخن گفتن این است که مخاطب را بزرگ بشماری و با احترام با او سخن بگویی؛ زیرا انسان دارای کرامت ذاتی است : (( ولقد کرمنا بنی آدم وحملناهم فی البر والبحر ورزقناهم من طیبات وفضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً))<sup>۴</sup> (وما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان را در خوشکی و دریا (بر مرکبها) بنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از دیگر مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم) .

۱ - حجرات (۴۹)، آیه ۱۲

۲ - طباطبایی، همان کتاب، ج ۱۸، ص ۴۸۵

۳ - کلینی، همان کتاب، ج ۲، ص ۴۳۰

۴ - اسراء (۱۷) آیه ۷۰

تکریم شخصیت انسان به خاطر ویژگی های خاص اوست که خداوند در وی به ودیعت نهاده است که موجب شرافت، ارزش و کرامت او میشود. <sup>۱</sup> امام صادق (علیه السلام) در این باره میفرماید: (( من روی علی مؤمن روایتی یزید بها شینه وهدم مروءته یسقط من اعین النّس اخرج الله من ولايته ال ولايته الشیطان ولا یقبله الشیطان ))<sup>۲</sup> ( اگر کسی سخنی بر ضد مؤمن نقل کند و قصدش از آن، زشت کردن چهره یا از بین بردن وجه اجتماعی باشد و بخواهد او را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از محور دوستی خود خارج میکند و تحت سرپرستی شیطان قرار میدهد ولی شیطان هم او را نمی پذیرد ). آری تحقیر انسان مؤمن و خدشه دار کردن شخصیت او در مقوله ظلم قرار میگیرد و شایسته جامعه اسلامی نیست و بنا به فرموده پیامبر اکرم ( صل الله علیه وآله ) : ( حرمت و حیثیت مؤمن از ظمت خانه کعبه بیشتر و بزرگتر است ).<sup>۳</sup>

## ۷ - نرم و آرام گویی

نرمی و ملایمت در گفتار و پرهیز از خشونت و تندی در کلام، گاهی مهمتر از محتوای سخن است . باگفتار نرم و دل نشین بهتر میتوان عقاید را مطرح ساخت و بر تأثیر و گیرایی کلام افزود . خداوند هنگامی که موسی و هارون را برای دعوت فرعون خودخواه و ستمگر مأمور نمود، به آنها امر کرد: (( فقولا له قولاً لینا لعل یتذکر أو یخشی ))<sup>۴</sup> ( با او به نرمی سخن بگویید شاید شاید پند بگیرد و پتر سد )

همواره سخن نرم که همراه با تکریم مخاطب باشد مؤثر تر از سخنی است که به درستی گفته شود . وقتی سخن گفتن با فرعون طغیانگر باید به نرمی باشد، پیداست که با دیگر مردم به نحو اولی باید اینگونه سخن گفت . در آیه ای دیگر خداوند خطاب به پیامبر اکرم (صل الله علیه وآله) می فرماید : (( فیما رحمه من الله لنت لهم ولو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک ... ))<sup>۵</sup> . به سبب رحمت خداست که تو با آنها این چنین خوش خوی و مهربان هستی، اگر تند خو و سخت دل می بودی از گرد تو پراکنده می شدند ... ) این آیه نر مش و محبت بی نظیر رسول خدا (صل الله علیه وآله) را عامل جذب

۱ - علی اله بدشتی، ((سخن گفتن در آداب اجتماعی اسلام))، الهیات اجتماعی، شماره ۲، قم، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱

۲ - کلینی، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۵۸

۳ - محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۴، چاپ دوم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ قمری، ص ۷۱

۴ - طه (۲۰) آیه ۴۴

۵ - آل عمران (۳) آیه ۱۵۹

مردم معرفی میکند . به ویژه آنکه این آیه در مورد مسلمانانی نازل شده که در جنگ احد فرار را بر قرار ترجیح داده بودند .

## ۸ - سخن بلیغ

سخن باید بلیغ، رسا و شفاف باشد . خداوند در باره ی منافقان به پیامبر (صل الله علیه وآله) دستور میدهد که آنها را موعظه کن و اندرز ده تا بیانی رسا در دل و جان آنها نفوذ کند .

(( اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فاعرض عنهم وعظهم وقل لهم في انفسهم قولا بليغا))<sup>۱</sup> ( اینان همان کسانی اند که خدا میداند چه در دل دارند، پس از آنان روی برتاب ولی پندشان ده و با آنان سخن رسا که در دلشان مؤثر افتد بگو) . در این آیه سخن از وضعیت اهل نفاق است که از حکم خدا و رسولش روی گردانده و به طاغوت روی آورده اند . استفاده از قول بلیغ به هنگام وعظ و نصیحت، در گفتگو ها بسیار ارزشمند است . و باید به نحوی با آنان سخن گفت که دل‌هایشان آن مطلب را درک کند .<sup>۲</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرماید : (( ثلاثه فيهنّ البلاغه التقرب من معنی البغيه والتبعّد من حشو الكلام و الدلاله بالقليل على الكثير))<sup>۳</sup> ( بلاغت در رعایت سه اصل است: به کار گیری لفظ نزدیک برای معانی مورد نظر، دوری جستن از حاشیه روی و سخن زائد و رسانیدن مقصود مورد نظر با کمترین کلمات است ) .

## ۹ - شادابی و نشاط آفرینی

یکی دیگر از شاخص های سخن نیکو ، امیدبخش، نشاط آفرین و روح نواز است. ((وهذوا الی طيب من القول وهذوا الی صراط الحمید))<sup>۴</sup> (او به گفتار پاک هدایت میشود و به سوی راه (خدا) ستوده هدایت میگردند(قول طیب) کلامی است که در آن خبائث نباشد. و کلام خبیث به معنی کلامی است که یکی از اقسام باطل در آن باشد).

۱ - نساء(۴) آیه ۶۳

۲ - طباطبایی، همان کتاب، ج ۴، ص ۶۴۴

۳ - حسن ابن علی، تحف العقول عنال الرسول، ابن شعبه حرانی، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ قمری، ص ۳۷

۴ - حج(۲۳) آیه ۲۴

خداون در جای دیگر از قرآن کریم می فرماید: ((وقل لعبادی یقول التی هی احسن ان الشیطان ینزغ بینهم ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا))<sup>۱</sup> (و به بندگان من بگو: آنچه را که بهتر است بگویند، که شیطان میانشان را به هم میزند: زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. در مجمع البیان ذیل آیه فوق آمده است: (سخنانی را بگویند که از روشهایی پیروی کنید که بهترین و عالی ترین باشد)<sup>۲</sup>.

به منظور ایجاد نشاط و جلوگیری از ملامت و خستگی مخاطب، ذکر لطیفه و مزاح ممدوح بسیار پسندیده است. از این رو مزاح صادق و پر محتوا نه تنها در روایات نهی نمیشود، بلکه بر آن تاکید و ترقیب نیز شده است. امیر المومنین (علیه السلام) می فرماید: ((إن هذه القلوب تملّ كما تملّ الأبدان فبتغوا لها طرائف الحکمه))<sup>۳</sup> (همانا این قلبها همانند بدنها ملامت و خستگی یابند، پس برای در مان ملالت و خستگی آنها نکات لطیف حکمت آمیز را طلب کنید).

### ۱۰- پرهیز از دشنام گویی حتی به دشمنان

از دیگر شاخص های گفتگو از نگاه درون دینی، خود داری از سخنان زشت و الفاظ رکیک میباید شد. زیرا سفارش خالق علیم این است که با همه مردم باید خوب سخن گفت: ((وقولوا للناس حسنا ...))<sup>۴</sup> (به مردم نیک بگویند ...). در آیه فوق واژه حسنا به صورت مطلق آمده است.<sup>۵</sup> و ظاهرا شامل گفتار، رفتار، حالت صورت و چشمها و ظاهر و باطن کلام می باشد. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: ((قولوا للناس أحسن ما تحبّون أن یقال لکم فإنّ الله یبغض اللعان الاسباب الطعان علی المؤمنین الفاحش المتفحش))<sup>۶</sup> (بگویند به مردم بهترین چیزی را که دوست دارید به شما گفته شود؛ زیرا که خداوند مبعوض میدارد کسی را که ناسزا می گوید و نفرین می کند و بر مردم مسلمان طعن می زند واز ناسزا گفتن و ناسزا شنیدن با کی ندارد).

۱- اسراء (۱۷) آیه ۲۴

۲- فضل ابن حسن طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ج ۲، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲، ص ۶۰۵

۳- ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ قمری، ص ۱۶

۴- بقره (۲) آیه ۸۲

۵- طبایطی، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۱۹

۶- طبرسی، همان کتاب، ج ۱، ص ۲۹۸

## « - به کار گیری اسامی و القاب پسندیده

عقل و شرع به روشی حکم می کند که سخنان زشت از شأن انسان و مقام والای انسانی به دور است . قرآن کریم میفرماید : (( ولا تلمزوا أنفسكم ولا تتنازروا باللقاب (...))<sup>۱</sup> ( واز یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید ... ) در آیات دیگری نیز انسانها از عیب جویی و طعنه زدن به یکدیگر در گفتگو ها به شدت نهی شده اند.

(( ويل لكل همزة المزه ))<sup>۲</sup> ( وای بر هر عیب جوی طعنه زن ) پیامبر اکرم (صل الله عليه وآله) می فرماید : ((ليس المؤمن بالطعان و لا باللعان ولا بالسباب ولا البذى ...))<sup>۳</sup> ( مؤمن، طعنه زن، دشنامگو و بد زبان نیست ) بنابراین نباید هیچوقت حتی به شوخی سخنان زشت بر زبان آورد .

امام سجاد(علیه السلام) می فرماید : ((إن الله عزوجل يحب المداعب في الجماعه بلا رفث ))<sup>۴</sup> ( خداوند کسانی را که در جمع مزاح کنند بدون آنکه سخن زشتی بر زبان آرد دوست دارد) .

---

۱ - حجرات (۴۹) آیه ۱۱

۲ - الهمزه (۱۰۴) آیه ۱

۳ - ابن ابی حدید همان، همان کتاب، ج ۱۰، ص ۱۴

۴ - کلینی، همان کتاب، ج ۴، ص ۶۶۳



## نتیجه گیری

پس از بررسی در آیات روح بخش قرآن کریم و کلام معصومان (علیهم السلام) میتوان نتیجه گرفت که سخن و گفتگو از مهمترین و مؤثرترین اعمال آدمی محسوب شده به گونه ای که تعداد قابل توجهی از آیات کلام الله مجید و سخنان ائمه اطهار (علیهم السلام) به این امر اختصاص دارد.

قرآن آدمی را واجد کرامت ذاتی میدانند و بر این اساس سفارش می نمایند که برای برقراری ارتباط با مردم از راه گفتگو ابتدا باید آن را آموخت و سپس خوب سخن گفت. همچنین گفتگوها باید عاری از هر گونه غیبت و تمسخر و القاب زشت و دروغ باشد و هیچ گاه نباید در گفتگوها طرف مقابل را کوچک شمرد و به او بی توجهی کرد بلکه در عوض باید سعی کنیم گفتگوهای خود را با نشاط و روح نواز کرده و در آن از خداوند و قرآن یاری جوییم تا بتوانیم گفتگوهای سودمندی داشته باشیم و افراد را به سوی کمال مطلوب سوق دهیم.

## فهرست منابع

— قرآن کریم

— صحیفه سجادیه

— شرح نهج البلاغه، ابن ابی حدید معتزلی، ج ۱۹، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ قمری

— تحف العقول عن آل الرسول، حسن ابن علی، ابن شعبه حرانی، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ قمری

— غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد ابن محمد، تمیمی آمدی، قم، دار الکتب اسلامی، ۱۴۱۰ قمری

— المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم،

جامعه مدرسین، ۱۳۷۴

— مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ج ۶، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲

— لغت نامه، علی اکبر دهخدا، ج ۱۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳

— الکافی، محمد ابن یعقوب، کلینی، ج ۱۲، چاپ چهارم، قم، دار الکتب، ۱۴۰۷ قمری

-----، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ قمری

-----، بیروت، دار الضراء، ۱۴۰۷ قمری

— آداب گفتگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات، چاپ اول، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۷

— فرهنگ فقه (مطابق مذهب اهل بیت)، موسسه دایره المعارف فقه، ج ۱، چاپ دوم، قم، نشر موسسه دایره المعارف فقه

اسلامی، ۱۳۸۵

فهرست مقالات

— مهسا فاضلی، "اهمیت تأمل و گفتگوی فرهنگی در منظر قرآن"، فصل نامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۳۳، چاپ اول، قم،

۱۳۸۱

— علی اله بداشتی، "سخن گفتن در آداب اجتماعی اسلام، فصل نامه هیات اجتماعی، شماره ۲، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸

— راضیه علی اکبری، "اشاعه منطق و گفتگو میان مسلمانان با معیارهای قرآنی از کتاب استراتژی تقرب اسلامی"،

مجموع مقالات هجدهمین کنفرانس وحدت اسلامی، چاپ اول، تهران، مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، معاونت

فرهنگی، ۱۳۸۴

- قدرت ذوالفقاری فر، سهراب مروتی، محمد رضا شیر خانی، "شاخص های سخن گفتن در اسلام"، ماهنامه علمی

ترویجی، شماره ۱۹۷، چاپ اول، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲.